

طریق عدالت

(درس ۱۷)

LESSON 17

THE WAY OF RIGHTEOUSNESS

مروری بر درسهای گذشته

REVIEW OF "THE BEGINNING"

پیدایش ۱-۱۱

سلام بر شما شنوندگان عزیز. در نام خدا، خداوند آرامش، که می‌خواهد هر یک از شما راه عدالت را که او خود مقرر کرده است، درک کرده و تسلیم آن شوید، و تا به ابد با او آرامش داشته باشید برنامه خود را آغاز می‌کنیم. بسیار خوشحالیم از اینکه می‌توانیم باری دیگر برنامه *طریق عدالت* را به شما تقدیم می‌کنیم.

امروز، به یاری خدا، قصد داریم آنچه را که تا کنون از کتاب تورات موسی بررسی کردیم به اختصار بیان کنیم. تورات اولین قسمت بررسی ما از انبیا است. این قسمت بسیار مهم است زیرا بنیادی است که خدا خود بنا نهاده است تا بتوانیم توسط آن هر آنچه را که می‌شنویم آزمایش کنیم، و در یابیم که آیا از سوی خدا است یا خیر. کتاب تورات دارای پنج قسمت یا پنج کتاب است. قسمت اول پیدایش است. کتاب پیدایش خود پنجاه باب یا فصل دارد. در بررسی الاهیاتی خود تا کنون تا باب یازده را مطالعه کرده‌ایم.

آیا به خاطر دارید اولین آیه کلام خدا چه می‌گوید؟ بیایید دوباره آن را بخوانیم. این آیه می‌گوید: «در ابتدا خدا آسمانها و زمین را آفرید.» خدا، خداوند ابدیت است. در ابتدا، هنگامی که دنیا هنوز وجود نداشت. خدا روح ازلی است که آغاز ندارد. به همین خاطر است که اولین آیه کتاب مقدس می‌گوید: «در ابتدا خدا!»

سپس، دیدیم که خدا پیش از اینکه دنیا را خلق کند، هزاران هزار روح قدرتمند خلق کرد، و آنها را فرشته نامید. در میان این فرشتگان، فرشته‌ای بود که از دیگر فرشتگان زیرک‌تر و زیباتر بود. این فرشته، زهره (شیطان) نام داشت، و خدا او را رئیس فرشتگان قرار داده بود. با اینحال کلام خدا می‌گوید روزی فرا رسید که زهره در دل خود، به خود مغرور شد و خدا را حقیر شمرد، و خواست جای خدا را بگیرد. بسیاری از فرشتگان دیگر تصمیم گرفتند از زهره پیروی نمایند. به همین دلیل است که خدا، خدایی که

نمی‌تواند گناه را تحمل کند، زهره و فرشتگان عصیانگر را بیرون کرد و نام شیطان را بر زهره نهاد، که به معنای دشمن است. پس از اینکه خدا شیطان و فرشتگانش را بیرون کرد، برای آنها آتش جهنم را خلق کرد، آتشی که هیچگاه خاموش نمی‌شود. کتاب مقدس می‌گوید که در روز داوری نهایی، خدا، خدای عادل، شیطان و تمام پیروانش را در آن آتش خواهد افکند.

سپس، خواندیم که چگونه خداوند آسمانها و زمین و هر آنچه را که در آنهاست در شش روز آفرید، تنها با کلام خود! خدا همه چیز را برای انسان خلق کرد (انسانی که او را برای خوشی و جلال خود خلق کرده بود). انسان (بشر) مهم‌ترین مخلوقی است که خدا خلق کرد، زیرا انسان به صورت خدا خلق شد. خدا می‌خواست با انسان رابطه‌ای عمیق و نزدیک داشته باشد. به همین دلیل است که خدا برای جان انسان روحی (ذهنی) باهوش خلق کرد تا بتواند خدا را بشناسد، خدا به او دلی داد تا بتواند او را محبت کند، و خدا به او اراده‌ای آزاد بخشید تا بتواند خدا را انتخاب و از او اطاعت کند و یا نکند.

در باب دوم تورات، می‌خوانیم که خدا باغ بهشت (عدن) را بر روی زمین به وجود آورد و انسانی که خلق کرده بود، یعنی آدم را در آن قرار داد. خدا، بر حسب رحمت و مهربانی خود همه چیز را در اختیار آدم قرار داد تا در صلح و سعادت زندگی کند.

همچنین در روزی که خدا آدم را آفرید، به او گفت: «از همه درختان باغ بی‌ممانعت بخور، اما از درخت معرفت نیک و بد زنهار نخوری، زیرا روزی که از آن خوردی، هر آینه خواهی مرد.» (پیدایش ۲: ۱۶، ۱۷) پس دیدیم که چگونه خدا آزمایشی ساده در مقابل آدم قرار داد. خدا می‌خواست رابطه‌ای پرمعنا با انسانی که خلق کرده بود داشته باشد. بنابراین، خدا او را امتحان کرد و این اختیار را به او داد تا او را دوست داشته باشد و از او اطاعت کند و یا اینکه از او اطاعت نکند.

همچنین می‌خوانیم در روزی که خدا آدم را آفرید، هدیه‌ای بسیار زیبا به او داد: یک همسر! خدا زن را از دنده‌ای که از آدم گرفته بود آفرید و سپس او را به آدم هدیه کرد. او این هدیه را حوا نامید. بدینسان خدا در شش روز کار خود را به پایان رساند. کتاب مقدس می‌گوید: «و خدا هر چه ساخته بود، دید و همانا بسیار نیکو بود.» (پیدایش ۱: ۳۱) در روز هفتم خدا استراحت کرد و برای تمام چیزهایی که خلق کرده بود شادی نمود.

در باب سوم دیدیم که چگونه گناه وارد جهان شد. کتاب مقدس به ما نشان می‌دهد که چگونه این اتفاق روی داد، روزی هنگامی که آدم و حوا نزدیک درختی بودند که خدا خوردن از میوه آن را منع کرده بود، شیطان در جلد یک مار حيله گر نزد آنها آمد و گفت:

«آیا خدا حقیقتاً گفته است که از همه درختان باغ نخورید؟» زن به مار گفت: «از میوه درختان باغ می‌خوریم، لکن از میوه درختی که در وسط باغ است، خدا گفت از آن نخورید و آن را لمس نکنید، مبادا

بمیرید.» مار به زن گفت: «هر آینه نخواهید مرد، بلکه خدا می‌داند در روزی که از آن بخورید، چشمان شما باز شود و مانند خدا عارف نیک و بد خواهید بود.» (پیدایش ۳: ۱-۵)

بنابراین، می‌بینیم که شیطان چگونه کلام خدا را تحریف کرد! خدا به آدم و حوا گفت که اگر از درخت ممنوعه بخورند چه اتفاقی خواهد افتاد؟ او گفت: «خواهید مرد!» اما شیطان چه گفت؟ او گفت: «نخواهید مرد!» آدم و حوا کلام کدامیک را پذیرفتند و از آن اطاعت کردند: کلام خدا؟ یا کلام شیطان؟ سرانجام می‌بینیم که آدم و حوا کلام شیطان را باور کردند و از درختی که خدا منع کرده بود خوردند! شیطان حوا را فریب داد تا از حکم خدا سرپیچی کند. آدم عمداً ناطاعتی از فرمان خدا و پیروی از شیطان را برگزید. بنابراین کتاب مقدس می‌گوید: «بوساطت یک آدم گناه داخل جهان گردید و به گناه موت بر همه مردم طاری گشت.» (رومیان ۵: ۱۲)

بنابراین خدا آدم و حوا را از باغ بهشت بیرون راند، همانگونه که گفته بود. اما پیش از اینکه آنها را بیرون کند، به آنها وعده داد نجات دهنده‌ای را به این دنیا خواهد فرستاد تا فرزندان آدم را از سلطه قدرت شیطان، گناه و مرگ برهاند! خدا برای تأیید این وعده چند حیوان قربانی کرد و از پوست آنها پوششی برای آدم و حوا درست کرد. خدا توسط قربانی کردن این حیوانات خواست به آدم و حوا بیاموزد که «مزد گناه موت است» (رومیان ۶: ۲۳) و «بدون ریختن خون آمرزش نیست.» (عبرانیان ۹: ۲۲)

در باب چهار، درباره اولین فرزندان آدم، یعنی هابیل و قائن خواندیم. دیدیم که چگونه هابیل بره‌ای بی‌گناه به خدا تقدیم کرد، و آن را به عنوان قربانی گناه قربانی کرد، همانگونه که خدا برای والدین هابیل کرده بود. اما قائن سعی کرد با روش خودش به خدا نزدیک شود، و محصول زراعت خود را که از زمینی که خدا لعنت کرده بود به دست آورده بود، نزد خدا آورد. بنابراین کتاب مقدس می‌گوید: «خداوند هابیل هدیه او را منظور داشت، اما قائن و هدیه او را منظور نداشت.» (پیدایش ۴: ۴، ۵) خدا قائن را فرا خواند تا حساب پس دهد و توبه کند و طریق عدالت خدا را برای خود برگزیند، اما قائن خشمگین شد و برادر کوچکتر خود، هابیل را کشت.

پس از آن خدا به آدم و حوا پسری دیگر به نام شیث داد. شیث نیز همچون هابیل به خدا ایمان داشت و با خون قربانی به خدا نزدیک می‌شد. بنابراین، دیدیم از آدم دو نسل بوجود آمد، یعنی نسل قائن و نسل شیث. فرزندان قائن به خدا ایمان نداشتند. از نسل شیث، خونخو به دنیا آمد. خونخو در دوره‌ای پر از فساد و شرارت، با خدا راه می‌رفت. پسر ارشد خونخو، نوح بود. خدا در روزگار نوح تصمیم گرفت با طوفانی عظیم بنی آدم را به خاطر شرارتشان از روی زمین محو سازد. در آن روزگار فاسد، تنها نوح به خدا ایمان داشت، و به همین خاطر خدا به او گفت کشتی بزرگی بسازد، تا پناهگاهی باشد برای خود و خانواده‌اش و نیز حیوانات، و تمام کسانی که از گناه خود بازگشت کنند و به کلام خدا ایمان آورند. خدا به مدت صد سال درحالیکه نوح کشتی را می‌ساخت با صبر تمام گناهکاران را تحمل کرد. بالینحال هیچکس آنقدر ایمان

نیاورد که حداقل پیغام خدا را بپذیرد، غیر از نوح و خانواده‌اش. بنابراین در نهایت خدا به هر آنچه گفته بود عمل کرد. او بر تمام کسانی که به حقیقت ایمان نداشتند داوری نازل کرد. همه به جز نوح و خانواده‌اش در آن طوفان عظیم هلاک شدند.

نوح سه پسر داشت: سام، حام و یافث. تمام مردم دنیا از نسل این سه انسان هستند. با اینحال دیدیم که چگونه فرزندان آنها به سرعت خدا و کلامش را فراموش کردند. در درس گذشته دیدیم که چگونه نمرود و همقطارانش تصمیم گرفتند تمام مردم دنیا را در یک مکان جمع کنند و شهری بزرگ به همراه برجی مرتفع بنا کنند و بر علیه خدا شورش کنند. اما خدا زبانهای آنها را مشوش ساخت و همه را بر روی زمین پراکنده نمود. این شهر به نام بابل شناخته شد، که به معنای تشویش است. پس آنچه را که از پیدایش باب ۱۱ خواندیم به اختصار بیان کردیم.

چگونه می‌توان آنچه را که در این داستانها آموختیم به شکلی بسیار ساده و خلاصه بیان کرد؟ خدا می‌خواهد از وقایع پیدایش چه چیزی به ما بیاموزد؟ درسهای بسیاری می‌تواند از آنها آموخت، اما امروز تنها می‌توانیم دو نکته را بیان کنیم. درس اول اینکه انسان گناهکار است. و درس دیگر اینکه خدا عادل (عاری از گناه) است!

در بررسی خود، بارها دیدیم که انسان گناهکار و خطاکار است. دیدیم که این داستان از باغ عدن آغاز شد، هنگامی که آدم از میوه درختی را که خدا منع کرده بود خورد. دوباره گناه را در پسر ارشد آدم، قائن دیدیم، کسی که روشی را که خدا برای گذرداندن قربانی تعیین کرده بود، نپذیرفت. ما این ذات گناه‌آلود را در فرزندان قائن، در مردم روزگار نوح، و در کسانی که سعی کردند برج بابل را بنا کنند دیدیم. خلاصه آنکه، داستان بنی آدم به ما می‌گوید: انسان گناهکار است! همانگونه که در کتاب مقدس نوشته شده است: «همه به گناه گرفتارند... کسی عادل نیست یکی هم‌نی! ... همه گمراه و جمیعاً باطل گردیده‌اند؛ نیکوکاری هم نیست یکی هم‌نی.» (رومیان ۳: ۹، ۱۰، ۱۲)

از سویی دیدیم که انسان گناهکار است، و از سوی دیگر دیدیم که خدا عادل است. کتاب مقدس به ما می‌گوید که «خدا نور است؛ و هیچ ظلمت هرگز در وی نیست!» (ایوحنا ۱: ۵) ما عدالت خدا را هنگامی که شیطان را به خاطر غرور و سرکشی‌اش از حضور خود بیرون کرد دیدیم. و باری دیگر هنگامی که آدم را به خاطر ناطاعتی‌اش از باغ عدن بیرون کرد دیدیم. سپس، خدا وعده داد نجات‌دهنده‌ای قدوس به این دنیا خواهد فرستاد که کفاره گناه بنی‌آدم را خواهد پرداخت، و باری دیگر عدالت خود را ظاهر نمود. همچنین، ذات عادل خدا را در فرمانی که صادر کرد می‌بینیم: «بدون ریختن خون آمرزش نیست.» (عبرانیان ۹: ۲۲) خدا عدالت خود را باری دیگر ظاهر ساخت، آنگاه که هابیل را به خاطر خون بره‌ای که قربانی کرد پذیرفت و قائن را نپذیرفت، چرا که به راه بخش خدا اهانت نمود. ما ذات عادل خدا را در زمان نوح نیز دیدیم، هنگامی که به انسان صد سال مهلت داد تا توبه کند، و سپس طوفانی فرستاد تا تمام کسانی

که راه او را پذیرفته بودند هلاک کند. و در درس آخر دیدیم که، خدا زبان مردم شهر بابل را، که می‌خواستند بر علیه او شورش کنند، مشوش ساخت و باری دیگر عدالت خود را ظاهر نمود.

بله، خدا عادل است و باید بر مردم بر طبق معیار عدالت خود داوری کند! گناهکاران نمی‌توانند بر حسب «اعمال نیک!» اما ناقص خود به او نزدیک شوند. خدا باید هر آنچه را که توسط گناه لکه‌دار شده است داوری کند. کتاب مقدس می‌گوید، «**خدای ما آتش فروبرنده است! .. خداوند قوم خود را داوری خواهد نمود. افتادن به دستهای خدا زنده چیزی هولناک است!**» (عبرانیان ۱۲: ۲۹؛ ۱۰: ۳۰، ۳۱)

بنابراین خدا در یازده باب اول تورات، حقیقت مهمی را درباره عدالت مطلق خود بر ما آشکار کرد. آیا این بدین معنا است که انسان امیدی ندارد در درگاه خدا پذیرفته شود؟ خیر، خدا را شکر که برای گناهکاران امید هست! خدا، بر حسب فیض خود راهی را بر سر راه انسان قرار داده تا فرزندان گناهکار آدم در مقابل او عادل شمرده شوند! آیا راه نجاتی را که خدا برای گناهکاران تعیین کرده است می‌شناسید؟ اگر هنوز راه عدالت خدا را نمی‌شناسید، از شما دعوت می‌کنیم در برنامه‌های آتی به ما ملحق شوید، چرا که قصد داریم درباره ابرهیم که دوست خدا نامیده شده است بخوانیم. در داستان شگفت‌انگیز ابراهیم خواهیم دید که چگونه گناهکاران در مقابل خدا عادل (پارسا) شمرده می‌شوند.

از اینکه به برنامه ما گوش دادید سپاسگزاریم. باشد هنگامی که بر مطالبی که امروز برایتان بیان کردیم تفکر می‌کنید خداوند به شما برکت عطا کند. این آیه از کلام خدا را به یاد داشته باشید:

«زیرا همه چیزهایی که از قبل مکتوب شد، برای تعلیم ما نوشته شد تا به صبر و تسلی کتاب امیدوار

باشیم.» (روم ۱۵: ۴)